

## تحوالات قوانین جزائی

مجله علمی کانون وکلا که بامساعی فضلی حوزه قانون و قضای ایران (قضات و وکلای محترم) منتشر می گردد گوهر گرانبهای بی نظیر است که حاوی مباحث علمی و فنی و تجزیه و تحلیل نکات و رموز حقوقی است که الحق قابل مطالعه ارباب علم و ادب و مستوجب تقدیر است.

آری مجله کانون آینده ایست که اندیشه های علمی ترسیم در پرده های دماغی این عناصر فاضله را منعکس و نشان می دهد که چه انسانهای فاضلی در کاخ دادگستری ایران که سرلوحه نمای دیوار آن نقش انوشیروان عادلست محور فصل خصومت و مرجع احقاق حق بوده و چه اندیشه های علمی و چه نکته های مرموز ادبی را در مغز خود پرورانیده و چه آثار گرانبهایی را بجامعه خود تحویل می دهند :

کانون وکلای ایران و حوزه قضائی آن مرکز فضل و دانش و بوستان شاداب علم و ادب بوده و هست که با نهایت تأسف ناهنجاری تشکیلات آن مانع از تماشای بدایع گلهای این بوستان است چه آنکه اشخاصی باغبانی و سرپرستی این بهشت عدل و داد را عهده دار میشوند که بوئی از عدل و علم و دانش نبرده و آینده جهان نمای عدالت تخته مشق اطفال دبستان است مگر این همه قوانین متضاد و ناسخ و منسوخ و تبصره ها و آئین نامه و الواح پراکنده و پریشان در نظر جامعه مشهود نیست در یک چنین محیطی با چنین تشکیلاتی چگونه می توان از این بوستان استشمام رایحه بهشتی نمود !؟

(عود بر آتش نهند و سنگ بسایند) قوه قضائی ایران در روی احکامی بناشده که بدون تردید انشا شده خالق کائنات و با لسان وحی از دهان شخصی خارج شده که در رسالت او تردیدی جایز نیست مگر از دماغ عناصر مالیخولیائی و الکولیسم !؟  
متفکرین دنیای بشر و برگزیدگان حوزه انسانیت در هر عصر و قرنی از هر ملت و نژادی در مقابل این احکام زانو زده و اعتراف با بدیت آن نموده و هر قدر نور علم پرده های تاریک مغز بشر را منور می نماید قدوسیت آن ظاهر و مسلم میدارد که سعادت جامعه بشر بالاخره بسته باجرای این احکام است چه آنکه از مبدای تشریح شده که عالم بحقایق جزئیات عالم کون و فساد بوده که فرمود (شرع محمد مستمر الی یوم القیمه) شارع این قانون آثار وضعی و تکلیفی تمام حرکات نفسی و روحی و جسمی بشر را در نظر گرفته و برای آن وضع قانون کرده است.

البته کسانی که از حقایق احکام اطلاع ندارند راه تقلید را شیوه خود می کنند :  
«گشت بیمار که چون چشم تو گردد نرگس شیوه آن نشدش حاصل بیمار همانند»

## تحولات فواین جرالی

یک نظر اجمالی بصفحات مجلات و اوراق پریشان که فقط نمودار اطوار حیوانی و شهوانی هست ترین حیوانهای دو پای عالم بشریت میباشند و دو دقیقه تفکر در زوال تربیت و تعلیم امروزه که بجای تزکیه روحی رقص و بجای هنر قهرمان سازی و وزنه برداری و بجای اخلاق شعرنو و تصنیف های خارج از میزان علم موسیقی و عروض ( در این حشر و نشر بی بند و بار ) نتیجه این تقلید را در نظر شما مجسم می نماید که در اثر رواج بازار شهوت جنایات از حد گذشته و اقسام مجازاتهای بی اساس نسل حاضر را جری تر در ارتکاب جرائم نموده و هر روز بعدد دوایر باز پرس علاوه می گردد و سلسله انواع جرائم و آلات جرم لا یتناهی اخیراً هم اسید پاشی رواج یافته که در مرکز عدل و داد بر روی قاضی بی نظیر و پاکدامنی اسید پاشیده و کسی را کیکی نمی گزد !

فعلاً جامعه ایرانی مبانی ملیت خود را از دست داده و تبدیل بیک ازدهام گردیده و تقلید کورکورانه چشم بصیرت و مال اندیشی را بسته حتی حوصله توجه بمبادی فلسفه آئین خود را نداریم .

بالجمله در شماره ۷ ه مجله کانون باقلم شیوای قاضی فاضل و پاکدامن و بی نظیر که حسباً و نسباً وجودش از مفاخر قوه قضائیه و رئیس داد گاه هفتم استیناف جناب آقای صفری مبحث بکری بعنوان ( تحولاتی که در قوانین جزائی بوجود آمده ) منتشر گردیده که قابل بسی توجه است و مطالعه آن مرا وادار کرد که با کمی سرمایه علمی نکته را که تاکنون در این مبحث در پس پرده مستور مانده بنظر ارباب فضل و دانش برسانم تا عظمت فلسفه احکام آئین مقدس را در این مبحث با آراء و عقاید مکتب های نفی و اثبات و کلاسیک اروپا تطبیق شده و معلوم گردد که جرم شناسان اروپا بقول حافظ ره افسانه زده اند :

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند  
اگر در فهم این سر راه خطا پیموده باشم معذورم و مرا بحقیقت راهنمایی فرمایند .  
مکتب های اروپا از حقایق فلسفه تشریح احکام جزائی که در آئین مقدس بنص کتاب آسمانی تقریر شده بی اطلاعند و حوزه های علمی مسلمین مدتی است درهای علم و ادب را بروی خود بسته و مشغول مطالعه رومان های عالم ستارگان و ارباب قلم به ترجمه اشعار هومر پرداخته دیگر مجالی بعهده کشف حقایق باقی نمانده است :

( برباد داده آنچه مرا بود روزگار )

مجازاتهایی که در آئین مقدس تشریح شده دور از نظر انتقام و یا تشفی و یا تأمین اجتماعی است بلکه مقصد اساسی تعدیل و اصلاح نفس و شخص مجرم بوده و بدیهی است وقتیکه روحیه یک مجرم تعدیل شد قهراً امنیت اجتماعی حاصل می گردد و مصدوم نیز بخيال خود شفای خاطر و یا انتقام را درمد نظر می گیرد و بالجمله این تصورات سایه های اجرای حکم مجازات بر علیه مجرم در دماغ منجی علیه و کسان او و بالاخره جامعه تولید میشود و فلسفه اجرای مجازات و نتیجه آن در خارج از محور این تصورات است .

مجازاتاتی که در آئین مقدس اسلام با نص ( ولکم فی القصاص حیوة )

## تحولات فوالبین جزائی

و دستور ( سن بالسن و الجروح قصاص ) تقریر شده فقط برای تنبه مجرم است و تنبیه با تنبه فرق دارد این دستور برای این است که مجرم طعم جنایتی را که مرتکب شده چشیده و دیگر مرتکب یک چنین حرکات ناهنجار نگردد بنا بر این در اجرای حکم نه قصد انتقام و نه قصد تشفی منظور نظر قانون گذار بوده بلکه فقط نظر شارع باصلاح روح و نفس جانی است و قتیکه مزه عمل خود را چشید دیگر پیرامون ارتکاب جرم نمی گردد که گفته اند مار گزیده از ریسمان می ترسد بنا بر این تردید نیست با اجرای مجازات نظیر آنچه که جانی بسر مجنی علیه آورده به نتیجه عمل ظالمانه خود بر علیه یک فرد پی خواهد برد و متنبه خواهد شد که اثر وضعی این احقاق حق ایجاد امنیت عمومی خواهد بود و جان و مال و نوامیس مردم محفوظ خواهد بود بطوریکه آثار آن فعلا در حجاز مشهود است و بدون تقلید از مالخولیای اروپا احکام را اجرا می کنند و این اروپائی هم بان احترام می گذارد.

جنایتکاری چشم کسی را کور و یا گوشی را کنده و دندان و دنده را شکسته مغرور اعمال قبیحه خود و خود را شجاع و پهلوان و باصلاح امروزه قهرمان می داند نمی داند چه بلائی بسر مجنی علیه آورده و حبس و تبعید آن تأثیری در روحیه این مجرم نخواهد کرد بلکه او را جری تر و بی باک تر در ارتکاب جرایم خواهد نمود.

کسانیکه خیال می کنند با تشکیل مکتب های نفی و اثباب و کلاسیک موجبات امنیت عمومی را فراهم توانند کرد و خود غفلتاً هزاران انسان بی گناه را بدیار عدم می فرستند نمی توانند در آثار نفسی و روحی اجرای حکم ( السارق والسارقه فاقطعوا ایدیهما ) چه اسراری مکتوم و چه فوآندی بیجامعه بشریت عاید می گردد این اشخاص غافلند که باچه کد یمیتی پیره زنی برای خود بادیه مسی تهیه کرده و دست نا بکاری بی رحمانه آنرا می رباید این دست رباینده در عالم حق و حقیقت دیگر احترام ندارد و با قطع آن دیگر جرأت دست درازی بمال دیگری پیدا نمیشود ولی با حبس و تبعید مجرم جری تر شده و از هیچ مظلمه خودداری نمی نمایند.

بهترین دلیل مندرجات جراند در انتشار اخبار مربوط بجنایات و سرقت ها و بی ناموسی هاست که مأمورین کشف جرایم اظهار نظر می فرمایند که مرتکب مجرم سابقه دار بوده و علت کثرت جرایم بر گشت جانی های تبعید شده است.

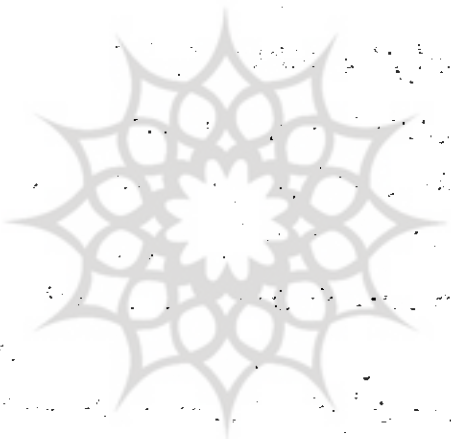
باتوجه باین نکات معلوم می گردد که در عالم خلقت جانی بالفطره ممکن نیست بوجود آید و معنی فطره دین و سنت انبیا و جبلت مهیا برای قبول دین است ( اقرب الموارد - الفطره الخلقه التي خلق علیها المولود فی رحم امه و دین والده والسنه کسن الذین والجبله المهیاه بقبول الدین ) که میفرماید ( کل مولود یولد علی الفطره ثم ابواه یهودانه وینصر الله ویمجسانه ) ولی ناپاکی سلب مرد و نطفه زن و یا ناپاکی رحم مادر بواسطه ارتکاب محرمات و تغذیه های حرام و اختلاط میاه ربطی بفطره ندارد بلکه نطفه مرد و زن و ناپاکی سلب و رحم و آثار توارث اثر خود را در پروراندن تخم خواهد بخشید. در تورات می فرماید :

### تحولات فواین جرائی

( ای ملتی که بدیوار می شاشید اعمال نکوهیده شما را در هفت نسل خود خواهید دید ) .

گفته اند هر دهقانی دانه را می چیند که تخم آنرا کاشته است نطفه که در حال حیض بسته میشود و نطفه که در حال مستی مرد و زن از سلب خارج و برحم وارد می گردد اثر ذاتی آن قیافه های زننده اعمال و حرکات نکوهیده و انحراف از تمام بیادی و عواطف بشری است و این ربطی بقطره ندارد .

این بود مختصری تحقیقی درین بجهت اگر در نظر ارباب علم و دانش راه خطا بپیمودم انتظار دارم مرا براه راست هدایت فرمایند .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی